

علل و عوامل مهاجرت

چکیده:

پژوهش فوق تحت عنوان « علل گرایش به مهاجرت » پیرامون تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی ، عوامل اقتصادی ، عوامل سیاسی و تأثیر آن بر مهاجرت بحث کرده و بطور کلی سعی بر آن است که پدیده مهاجرت از نظر چیستی و معایب و مزایا مورد بررسی قرار گیرد . در این تحقیق سعی بر آن است تا پدیده مهاجرت از روستا به شهر ها از سویی و مهاجرت مغزها (فرار مغزها) از سوی دیگر مورد مطالعه قرار گیرد .

مقدمه :

مسأله مهاجرت و همچنین فرار مغزها برای کشورهای توسعه یافته چندان بحرانی نیست زیرا چنانچه این کشورها نخبگانی را از دست بدهند، توانایی جذب نیروهای متخصص دیگری را دارند و به اصطلاح مبادله مغزها صورت خواهد گرفت. در صورتی که کشورهای در حال توسعه نه توان حفظ نخبگان خود را دارند و نه قدرت جذب نخبگان و متخصصان جدید، بنابراین در اصل، فرار مغزها زمانی محسوس است که جریان خروجی متخصصان و تحصیل کردگان ثابت باشد و با جریان ورودی مشابهی از سایر کشورها جایگزین نگردد. این مسأله صدمات جبران ناپذیری به کشورهای کوچک و کم جمعیت در حال توسعه وارد می کند.

پدیده خروج نیروهای متخصص از کشور به قصد اقامت دائم در کشورهای توسعه یافته اگرچه دارای پس زمینه ای تاریخی است که از دوران پیش از انقلاب اسلامی نیز شواهد و مصادیقی از آن وجود دارد ولیکن این پدیده پس از انقلاب اسلامی و وقوع جنگ ایران و عراق شدت وحدت بیشتری یافته است. به بیان دیگر ماهیتاً زمینه های ایجاد اندیشه خروج و ساختار و گستردگی آن پس از انقلاب در ابعاد مختلف با سابقه بروز این پدیده پیش از انقلاب متفاوت است.

وقوع انقلاب اسلامی ایران و جنگ 8 ساله با عراق منجر به مهاجرت جمعیت زیادی گردید که در میان آنان نخبگان و متخصصان زیادی وجود داشتند. در این زمان افراد زیادی به صورت قانونی یا غیر قانونی، از طریق هوا و زمین از مرزهای شرقی، غربی و جنوبی کشور ایران را ترک کردند. در پاره ای از منابع، آمار کل مهاجران ایرانی در سالهای 60- 1357 را به دو میلیون نفر تخمین می زند. این جابجایی عظیم انسانی دارای آثار اقتصادی زیانباری بود. در حالی که جمعیت خارج شده از ایران حدود 400 میلیارد دلار ارزش اسمی داشتند در همین زمان حدود 2/5 میلیون پناهنده از افغانستان و تعداد زیادی هم از عراق به ایران سرازیر شدند که 95 درصد آنها هیچ تخصصی نداشتند و نیروی کار ساده به حساب می آمدند. پناهندگان وارد شده به ایران سالانه حدود 3 میلیارد دلار به روش های مختلف، هزینه به کشور تحمیل کردند. جامعه تب زده انقلابی بنا به خصلت خود بیشتر پروای پولهایی را داشت که در راه خروج از کشور بوده و در آن میان کمتر به نیروی متخصص توجه می کرد.

انواع دیدگاه‌های مطالعات مهاجرتی:

به لحاظ سابقه تاریخی و واقعیت‌های موجود کنونی در بررسی این پدیده و عوامل و ابعاد آن، منطقی خواهد بود که از زاویه یک نگرش روانشناسی- جامعه‌شناسی به این پروسه نگاه کنیم و مهاجر را از لحاظ شخصیت فردی و محیطی و نیز رابطه مهاجر را با محیط اجتماعی مدنظر قرار دهیم:

1. روانشناسی مهاجرت ← در اینجا لازم است مهاجرت را از دیدگاه روانشناختی مورد بررسی قرار دهیم و بینیم که انسان مهاجر تحت تاثیر چه عواملی در این رابطه قرار داد، در ابتدا باید پویایی رفتار یا انگیزش رفتار مورد بررسی قرار گیرد. یعنی اینکه چرا موجود زنده یک عمل خاص را انجام می‌دهد. در این میحث توجه روانشناسان به شناخت نیرویی که باعث حرکت موجود زنده می‌شود، موجب شده روانشناسان بوجود انرژیهای داخلی یا نیروهای که موجود زنده را به حرکت در می‌آورد و در قابلیت پاسخگویی او نسبت به محرک خارجی موثر واقع می‌شود، توجه کنند، باید توجه نمود که بعد از آن که کودک متولد شد به آزمایش واقعیت مشغول می‌شود و در نتیجه "من" در او ایجاد می‌شود، بعلاوه آدمی راههایی که افراد دیگر انتخاب کرده اند می‌پذیرد و در نتیجه اصول اخلاقی یا وجدان اخلاقی و "فرامن" تشکیل می‌شود، به عکس حیوانات در آدمی "من" و "فرامن" بر "نهاد" (احتیاجات بیولوژیک) مسلط هستند. با توجه به این مسائل، و پیچیدگی شخصیت انسان و خواسته‌های متفاوت فردی و اجتماعی لزوم شناخت علمی در تبیین پدیده مهاجرت بیش از نگاه سیاسی به این مقوله موثر خواهد بود.

2. جامعه‌شناسی مهاجرت ← همچنین لازم است از این پدیده (مهاجرت) برای بررسی و تحلیل، از دانش جامعه‌شناسی نیز بهره ببریم، همانگونه که از بعد روان‌شناسی شخصیت فرد و خویته‌های ذهنی او می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، باید به روابط فرد و اجتماع و شرایط خاص اجتماعی نیز واقع‌نگرانه در تحلیل نگاه شود، ضمناً نباید فراموش کرد که دوران مهاجرت‌های کلاسیک (بواسطه تثبیت مرزهای بین‌المللی) سپری شده است، همانگونه که در دوران کوچ ایلات و اقوام به خارج از مرزهای شناخته شده بین‌المللی سپری گشته است. شاید بتوان ادعا کرد که مهاجرت به معنای عام آن دیگر واقعیت وجودی خویش را از دست داده است و هم‌اکنون مهاجرت بصورت تک فردی یا خانواده کوچک عینیت دارد که با توجه به پایداری قومی، ایلی و خانواده بزرگ در مکان اولیه، هیچگاه نمی‌تواند پیوند و بستگی خویش را با مبدا از دست دهد و همیشه در ارتباط متقابل با جایگاه اصلی خواهد بود.

نظریه وابستگی ← معتقدین به وابستگی بر این عقیده اند که علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از اثرات آن جدا کرد. زیرا مهاجرت از یک طرف معلول توسعه نابرابر است و از طرف دیگر عامل گسترش و رونق و تعمیق توسعه نابرابر در علت یابی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای جهان سوم، نظریه پردازان وابستگی بیان می‌کنند که باید به مساله عدم توسعه توجه نمود و در این رابطه نابرابری‌های ساختی و مکانی بین بخش‌های جامعه رادر نظر گرفت.

(غلامعباس توسلی، جامعه‌شناسی شهری =، انتشارات پیامنور، چاپ اول، ص 109، 1374)
از آنجا که عدم توسعه و نابرابری ساختی و مکانی در توسعه جهان سوم از شکل گسترش توسعه سرمایه داری در این کشورها ناشی می‌شود، لذا حرکت توده‌ای جمعیت را در این کشورها باید در این رابطه مورد بررسی قرار داد. دو دسته عوامل برای بیان علت مهاجرت در نظر گرفته شده است:

1- عوامل تغییر دهنده

2- عوامل رکودی

عوامل اول بانفوذ سرمایه داری در مناطق سنتی و ایجاد تغییر در تکنیک های تولیدی ارتباط دارد. تکنیک های جدید کارگر اضافی ایجاد می کند و آنها را مجبور به مهاجرت می کنند. عوامل رکودی، زمانی عمل می کنند که رشد جمعیت از تولیدات کشاورزی پیشی می گیرد و نیروی کار اضافی را مجبور به مهاجرت می نماید. سپس ماهی مهاجرت روستاییان با انتقال ساختی روستاها در اثر ادغام در نظام سرمایه داری مرتبط است. به نظر نظریه پردازان وابستگی مهاجرت از روستا به شهر را در کشورهای جهان سوم پدیده ای جدید در ارتباط با گسترش سرمایه داری وابسته در این کشورها می دانند. این نظریه پردازان و محققین به عمل دافعه جمعیت باور دارند و علت مهاجرت را عمدتاً نابرابری سطح توسعه روستا و شهر می دانند. اگرچه این توسعه وابسته است اما بهر جهت تمرکز سرمایه در یک محل و بی توجهی به محل های دیگر و یا ایجاد تغییرات انتخابی را در محیط دوم عامل حرکت جمعیت از روستا به شهر می دانند. از نظر نظریه پردازان وابستگی مهاجرت نه تنها نمود وابستگی کشورهای جهان سوم است بلکه خود باعث تقویت وابستگی این کشورها می شود. از نظر این محققین مهاجرت از یک طرف عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست است و از طرف دیگر عامل ایجاد و تشدید نارسایی های منطقه مهاجر پذیر.

نظریه کارکردگرایی ← این نظریه مهاجرت های روستایی را بر اساس کارکرد شهر و روستا در برآوردن نیازهای روستاییان تفسیر می کند. طرفداران این نظریه معتقدند که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام های اجتماعی آموخته می شوند. افراد در یک نظام، نیازهایی دارند که در آن نظام نمی توانند آنها را برآورده کنند چون خصایص ساختی نظام های اجتماعی و افراد هرگز در طول زمان ایستا نیستند، لذا ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین نیازها و امکان بدست آوردن آن در فرد یادر نظام و یا در هر دو اتفاق بیفتد. درک ناهماهنگی های بین خصایص فرد و نظام اجتماعی منجر به مهاجرت شخصی جهت کاهش ناهماهنگی های ساختی می شود. کارکردگرایان عقیده دارند: سرمایه، کلا تحرکش از افراد بیشتر و آسانتر است. پس در اینجا مسئله ایجاد تعادل نیست، بلکه حرکت نیروی کار ارزان از مبادا به مقصد است. همراه با مهاجرت افراد سرمایه و منافع از مناطق روستایی به شهرها روانه می گردد تا در شهرها تولید کنند. (لهسایی زاده، 1368، ص13، انتشارات نوید)

نظریه تفاوتها ← این نظریه که به تئوری ((جذب و دفع)) یا ((رانس و کشش)) معروف است، مبنای حرکت خود را روی توسعه ناهماهنگ شهر و روستا و تضاد میان این دو منطقه از حیات بشری قرار داده و مطالعات خود را از عوامل دافعه ((رانس)) در روستاها و جاذبه ((کشش)) در شهر، با دیدی مقطعی شروع می کند. طرفداران این نظریه تفاوت های موجودی میان این دو مرکز سکونت انسان را به عنوان عامل مستقل مطرح می کنند و در توجیح نظر خود بر مهاجرت های جمعیت از آن بهره برداری می کنند. برخی از عوامل رانس در نظام روستایی که نظریه پردازان به آن استناد می کنند: فقر عمیق روستاها و عدم امنیت حاکم بر این مناطق، نداشتن زمین، کمبود امکانات و تسهیلات زندگی، مردم اشتغال، پایین بودن سطح بهداشت و آموزش که در روستاها جلوه می کند. در مقابل جاذبه ها و کشش های شهری که روستاییان را به سوی شهر جلب می کند، به صورت شغل مناسب وجود درآمدهای بالا، دسترسی به تسهیلات زندگی شهری، فضای آموزشی مطلوب، بیمارستان و تحرک اجتماعی مطرح می شود.

نظریه مهاجرت از اورت لی (ترجمه بیژن زارع) :

به نظر " فار " مهاجرت بدون هیچگونه قاعده مشخص آغاز می شود، و ادامه پیدا می کند. این نظر، راونشتاین را پیش از تشکیل انجمن سلطنتی آمار 17 مارس 1885 به سمت مقاله کنونی معروفش در مورد قوانین مهاجرت هدایت کرد. اساس این مقاله روی آمار بریتانیا در 1881 قرار داشت، اما در 1889 راونشتاین باتوجه به اطلاعات اماری مربوط به بیش از 20 کشور در مقاله اش تجدید نظر کرد. در مرحله دوم باتوجه به تاثیر نظریه های جدیدتر و بازنگری گسترده اش، مقاله خود را قوانین مهاجرت نامید. اگرچه او عقیده داشت که عمدتاً قوانین مربوط به جمعیت و اقتصاد بدقت قوانین فیزیکی نیست، قوانین راونشتاین همانگونه که در مقاله اول شکل گرفته و در مقاله دوم بسط داده شده و یا اصلاح گردیده است، در جملات وی در زیر خلاصه گردیده اند. پنج قانون اول معمولاً از طرف عموم نقل می شوند، در حالیکه موارد 6 و 7 اگرچه از نتایج عمومی مقاله دوم وی گرفته شده اند، چندان عمومیت ندارند، بااین وجود راه راونشتاین در مورد شماره گذاری قوانین و تا حدودی بیان آزمایشی او در مورد تسلط انگیزه اقتصادی مهاجرت نیست به برآورد اهمیت نتیجه گیری هایش، درست تر جلوه می کند.

1. مهاجرت و مسافت — الف) توده بزرگی از مهاجرین تنها مسافت کوتاهی را طی می کنند و مهاجرین معینی که در یک مرکز مشخص جذب شده اند، بدون رشد خواهند ماند. ب) معمولاً مهاجران مسافتهای طولانی را با ترجیح یکی از مراکز بزرگ تجاری و صنعتی انتخاب می کنند.
2. مهاجرت مرحله ای — الف) سرانجام یک تغییر مکانی عمومی یا انتقال جمعیت رخ می دهد، که آهنگ جریانهای مهاجرت را در جهت مراکز بزرگ تجاری و صنعتی که مهاجرین را جذب می نماید، ایجاد می کند. ب) بلافاصله ساکنان روستاها یک شهرک را که رشد گروهی سریعی در آن بوجود آمده است، احاطه می کنند، بنابراین شکافهایی که در جمعیت روستایی به نظر می رسد بوسیله مهاجرین از نقاط دوردست پر می شود تا نیروی جاذبه یکی از شهرهای به سرعت گسترش یافته ما در دورترین زوایای یک کشور پادشاهی نتایجی را بار آورده. ج) فرآیند پراکندگی عکس فرآیند جذب می باشد و جنبه های مشابهی را نمایان می سازد.
3. جریان و ضد جریان — هر یک از جریانهای اصلی مهاجرت یک ضد جریان جبرانی را ایجاد می کند. در واژه شناسی جدید جریان و ضد جریان برای راونشتاین جایگزین تحرک و ضد تحرک گردیده است.
4. اختلافات روستا - شهری در تمایل به مهاجرت — اهالی شهرکها نسبت به اهالی نواحی روستایی کمتر مهاجرت می نمایند.
5. فزونی شمار زنان در بین مهاجرین مسافت کوتاه — به نظر می رسد که در بین مهاجرین کوتاه سفر برتری داشته باشند.
6. تکنولوژی و مهاجرت — آیا مهاجرت افزایش پیدا می کند؟ من معتقدم چنین است، هر جایی که توانسته ام مقایسه نمایم افزایشی را در امکانات تحرک و گسترش تولیدات و تجارب که منتهی به افزایش مهاجرت می گردد، دریافته ام.
7. غلبه انگیزه اقتصادی — قوانین بد یا ظالمانه، مالیات سنگین عدم جاذبه اقلیمی، شرایط اجتماعی نامساعد و حتی اجبار (تجارت پرده، حمل و نقل) تمامی آنها جریانهای مهاجرت را ایجاد کرده و هنوز هم ایجاد می کنند. لیکن هیچ یک از این جریانها در این مقاله با آنهایی که ناشی از آرزوی لاینفک بشر انسانهایی که می خواهند در ملاحظات مادی از

رهیافت سیستمی در مورد یک نظریه مهاجرت روستا به شهر

در نوشته های در حال رشد مطالعه مهاجرت، دو موضوع نظری یعنی 1- چرا مردم مهاجرت می کنند؟ و 2- تا چه مسافتی حرکت می نمایند، توجه را به خود معطوف داشته است. یک مدل ساده برای توضیح دلایلی که چرا مردم حرکت می کنند به شکل فرضیه "رانش- کشش" صورت بندی شده است. این موضوع به گونه های مختلف استنادانه سازی شده تا حرکت های انواع مهاجرت های داخلی روستا - روستایی، روستا- شهری و مهاجرت های بین المللی را در برگیرد. موضوع اینکه مردم تا چه مسافتی حرکت می نمایند بنویس خود به شمار زیاد اعجاب انگیزی از این مدلها که از لحاظ آماری یا ریاضی به درجات مختلفی آگاهی می دهند، منجر شده است. بیشتر این صورت بندی های نظری در مورد شرایط کشورهای توسعه یافته دنیا و بخصوص مهاجرت های شهر- شهری به کار برده شده است. تناسب آنها برای جابه جایی حرکت های مهاجرتی از نواحی روستا - شهری و بویژه در محیط کشورهای توسعه نیافته، به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است. معجزا در این نواحی جهان که مهاجرت های روستا - شهری اخیرا در حال انجام بوده، بهترین موقعیت برای آزمایش دلالت های نظری در مورد این دسته حرکتها وجود دارد. پیشنهاد شده که آفریقا ناحیه خاصی منحصر بفردی است که می تواند شواهد مهم تجربی در مورد این نوع حرکت ها بدست بدهد.

معجزا، اطلاعات ارزشمندی میتوانند به طور مشابهی از بررسی تاریخ بعضی از کشورهای پیشرفته دنیا بدست آیند. مسلما حقیقت دارد که در آفریقا تا به امروز توجه تاحد نامناسبی بر انتقال های فصلی کم اهمیت جمعیت از نواحی روستایی به شهری یعنی بر آنچه که حرکت ثابت دوری بین دو ناحیه نامیده شده، معطوف بوده است. اما همانطوریکه نشان داده خواهد شد این نوع حرکت ها موارد بسیار خاصی از مهاجرت روستا- شهری را نشان می دهند. برای روشن تر شدن موضوع لازم است که تعریف مهاجرت روستا - شهری ارایه شود. اصولا مهاجرت روستا- شهری یک انتقال اصلی از ساخت مرکزی جامعه که در آن مردم از اجتماعات بسیار کلی کوچکتر کشاورزی به اجتماعات بزرگتر و عمدتا غیر کشاورزی حرکت می کنند را نشان می دهد. غیر از این جنبه فضایی (یا افقی) حرکت، همچنین جنبه های اجتماعی اقتصادی (یا عمومی) مستلزم انتقال داریم مهارت ها، نگرش ها و الگوهای رفتاری بطوریکه مهاجرین قادر به شکستن کامل زمینه روستایی شان شده و کاملا به موجودیت شهری تسلیم می شوند، وجود دارد. بنابراین اساس حرکت یک انتقال دایم است. مهاجرت روستا شهری همچنین یک ملازم فضایی اصلی از توسعه اقتصادی بگونه ای است که موقعیتی که در آن 85% از جمعیت در روستا زندگی نموده و کشاورزی می کنند و تنها در حدود 15% در فعالیت های کشاورزی بوده و در شهرها زندگی می کنند را بر عکس نمایند. مهاجرت روستا - شهری جریانی فضایی اجزا چنین کاری را نشان می دهد. پدیده پیچیده است که نه تنها مستلزم مهاجران است بلکه همچنین شماری از آژانس های مهدی را لازم داشته و به سازگاری فوق العاد مهم و متنوع در هر نقطه منطقه منجر می گردد.

(لهسایی زاده، 1368، ص 149 و ص 150)

پیامدهای مهاجرت

پیامدهای مهاجرت بر هر سه سازمان اجتماعی، یعنی سازمان اجتماعی مهاجران، سازمان اجتماعی مبدا و سازمان اجتماعی مقصد اثر می‌گذارد. البته بین نظام‌های فرعی دهنده و گیرنده مبادله جمعیت صورت می‌گیرد. در برخی از شروط احتمالی جمع مهاجری (بوم‌شناختی، بعد تاریخی) تغییراتی روی می‌دهد که به ویه خود تغییراتی را در سازمان اجتماعی جمع مهاجری، و به صورت نظری، در هر سه جزء آن، یعنی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصیت موجب می‌شود. لیکن همه تغییرات ناشی از مهاجرت لزوماً معلول مهاجرت نیستن، این موضوع باید به طور تجربی و با بهره‌گیری از رهنمودهای مناسب و محدود نظری از نوع میان‌گستره مشخص و توصیف شود. با این درک و پذیرش این مسئله اهمیت دارد که امکان این هست که تغییرات سازمانهای اجتماعی مبدا و مقصد موجب شود که در سازمان اجتماعی جمع مهاجری نیز تغییراتی روی دهد. به خاطر همین ارتباط متقابل این سه سازمان اجتماعی است که به آنها بعنوان ((نظام مهاجرت)) اشاره می‌کنیم. بین این سازمانهای اجتماعی و توسط مهاجران (که از یکسو حاملان نوع خاصی از سازمان اجتماعی و از سوی دیگر اگر نه صریحاً بلکه تلویحاً طرفداران موثر و کارآمدی برای تغییر هستند)، عناصر سازمان‌های اجتماعی مبادله می‌شوند. تعیین جزء به جزء همه پیامدهایی که ممکن است هر مورد مهاجرت داشته باشد اگر نه یک کار محال حداقل کار دشواری است. با اینحال معتقدیم که این تصور و برداشت که نظام مهاجرت متشکل از سه سازمان اجتماعی است با ارتباطهای متقابل که از طریق جمع مهاجری عمل می‌کنند، ابزار نظری مفیدی است برای سازماندهی پژوهش جامعه‌شناختی درباره پیامدهای مهاجرت (لهسایی زاده ص 46 و ص 47)

دگرگونی‌های کیفی ← تشخیص پیامدهای چند شکلی این پدیده عظیم آسان نیست، حتی ممکن است به سبب کمبود منابع مستند بعضی از آنها از نظر دور بمانند جابه‌جایی‌های روستایی، هرچند هم کم‌اهمیت باشد، در نهایت موجب دگرگونی‌های کیفی قابل توجه خواهد شد.

1. پیری جمعیت‌های روستایی و جوانی جمعیت‌های حاشیه‌نشین:

در زندگی فرد، مهاجرت در اوایل زندگی فعال انجام می‌گیرد، معمولاً در پایان تحصیلات اجباری، یا برای پسران بعد از خدمت سربازی. مهاجرت مرد غالب اوقات، اندک زمانی پس از مهاجرت زن صورت می‌گیرد آن هم بر اثر ازدواج (جابه‌جایی قبل از 30 سالگی) بسیار رایج است، پس زن و شوهر مدتی مدید و غالباً برای بقیه عمر در جای تازه باقی می‌مانند و در نتیجه گروه مهاجران از اکثریت جوان تشکیل می‌شوند.

2. توزیع متباین جنس‌ها:

رابطه عددی جنسیت در طول زندگی، از جهت سنی، تغییر می‌کند. نسبت‌های جنسیت بانوع گروه‌های مهاجر دگرگون می‌شود. اگر مهاجران مرد بیشتر باشند، روستاها (زنانه) و شهرها (مردانه) می‌شوند. (جهان سوم و آغاز شهرنشینی)، در حالت عکس برتری گروه مردان در روستاها پیامدهای اجتماعی بسیار دارد. این دگرگونیها در مناسبات دو جنس بصورت تنگاتنگی تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی وقت است. برتری شمار زنان در شهرها با برتری شمار مردان در روستاها رابطه دارد، که بر اثر ان نسبت‌های جنسیت غالباً نامتعادل گشته است، جوان کشاورز در هیچ حالت نمی‌تواند همسری در محل پیدا کند و همچنین به خاطر دلایلی که کاملاً شناخته شده، نیز مشکل است که همسری در شهر مجاور پیدا کند. مهاجرت دارای پیامدهای منفی نیز هست، مهاجرین در جامعه مقصد بصورت گروه‌های متمایز باقی می‌مانند و اگرچه می

مهاجرت در کشورهای جهان سوم

مهاجرت در آمریکای لاتین ← قواعدی که برای فهم مهاجرت در کشورهای توسعه نیافته در نظر گرفته شد، کفایت نمی کند به این دلیل که جمعیت آن به طرز سرسام آوری افزوده می شود. و این مشکلات اقتصادی و اجتماعی رادر بافتی پیچیده قرار می دهد. بدون شک در گوشه و کنار آن، سقوط سریع زاد و ولد دیده می شود. اما این پدیده هنوز راه زیادی تا تعمیم در پیش دارد. از سوی دیگر نمی تواند از رشد جمعیت در کوتاه مدت جلوگیری کند؛ بدلیل آنکه ساختار محیط به طور اکثریت جوان است. در سرزمین های شما شرقی برزیل، سرتائو که بی آبی آن را تدید می کند، با یک خشکسالی استثنایی، انسانها و گله هایی را خواهیم یافت که در صفی رقت انگیز به سوی سرزمین های مطلوب تر عزیمت می کنند(ژان پیتیه، 1369، ص110)

درمکزیک مهاجرت در همه جا رشد شهرهای ملی را تغذیه می کند و این در نزدیکی کشورهای ایالت متحده آمریکا، آهنگ ویژه ای به خود می گیرد. امروزه حدود 5000000 مکزیکی در سرزمین های کشورهای ایالت متحده آمریکا، آمریکایی شده اند (همان منبع، ص111و110)

از دیگر پیامدهای مهاجرت می توان به رابطه مهاجرت و جرائم اشاره کرد:

از جمله شرایطی که در مهاجرت می تواند کم و کیف آنها در جرائم نوجوانان موثر افتد:

1. محل تولد مهاجر از لحاظ میزان جمعیت
2. دفعات مهاجرت
3. سن مهاجر

4. محلی که مهاجر به آنجا مهاجرت کرده است از لحاظ میزان جمعیت
5. هدف مهاجرت و یا در واقع علت‌های مهاجرت
6. مدت مهاجرت
7. وضعیت سرپرستی
8. اشتغال و یا عدم اشتغال در مهاجرت

پس می‌توان به این فرضیه رسید که مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ روی جرم نوجوانان تاثیر دارد و بیشتر این گروه را در مسیر ارتکاب جرم قرار می‌دهد (ژان پیتیه، 1369)

از دیگر پیامدهای مهاجرت:

افزایش و کاهش تعداد جمعیت ← مهاجرت‌هاچه به صورت بین‌المللی جریان یابند و چه در داخل مرزهای یک کشور رخ دهند، همواره موجب کاهش جمعیت نواحی مهاجر فرست و افزایش جمعیت مهاجر پذیر می‌شوند. از جریانات آرام و طولانی می‌توان از روستا - شهری در کشورهای درحال توسعه یاد کرد که به دلایل مختلف از جمله تفاوت سطح توسعه و چگونگی بازار کار، بتدریج بخشی از جمعیت روستایی را روانه شهرها و نقاط پیرامونی آنها می‌کند. خصلت عمده مهاجرت‌ها می‌کند و مستمر، تدریجی بودن آنها است که باعث عدم احساس سنگینی حضور مهاجران در کشورهای مهاجر پذیر می‌شود و نوعی پذیرش و هم‌نوایی بین جامعه مهاجر پذیر و مهاجران را پیش می‌آورد در این کشورها بتدریج شزتیط شزایط سهل تری برای مهاجران فراهم و حضور آنان به یک واقعیت اجتماعی قابل قبول تبدیل می‌شود. در مقابل این نوع مهاجرت‌ها که به آرامی جریان می‌یابند، مهاجرت‌هایی نیز وجود دارند که به دلایل مختلف در یک دوره کوتاه مدت سیل عظیمی از مهاجران را راهی سرزمین‌های معینی میکنند و مسایل و مشکلات خاصی را چه برای مهاجران و چه برای سرزمین‌های پذیرای آنان فراهم می‌آورند.

تغییر ترکیب جمعیت ← این تغییر عمدتاً به دو صورت تغییر در ترکیب جنسی و تغییر در ترکیب سنی خودنمایی می‌کند و تغییر در ترکیب قومیت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز بدنال می‌آورد. در روماردی مهاجرت‌ها به شکل خانواری انجام می‌گیرد و تاثیر چندانی در ترکیب جنسی و سنی جمعیت باقی نمی‌گذارد. مگر آنکه ساختار جمعیتی مبدا مهاجرتی، تفاوت‌های بارزی با ساختار جمعیتی مقصد مهاجرتی داشته باشد ولی در بسیاری از موارد، نسبت مردان در بین مهاجران بیش از نسبت زنان است. در این حالت مهاجرت باعث افزایش نسبت جنسی جنعیت در منطقه مهاجر پذیر و کاهش آن در منطقه مهاجر فرست می‌شود.

تصریح رشد جمعیت شهری و تخفیف رشد جمعیت روستایی ← مهاجرت‌ها یکی از عوامل برانگیزاننده رشد جمعیت شهری بوده و مهاجران اغلب به قصد استقرار در نقاط شهری به ویژه در شهرهای بزرگ به این اقدام دست می‌زنند اکثر مهاجرت‌ها بر رشد جمعیت شهری در کشورهای عقب مانده به مراتب بیش از کشورهای توسعه یافته است. اثر مهاجرت بر رشد جمعیت شهری در اغلب کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه بر میزان رشد طبیعی آنها فزونی گرفته و در آینده نیز همچنان ادامه خواهد یافت. مهاجرت در بسیاری از موارد به سوی شهرهای بزرگ جریان می‌یابد این امر بر افزایش سریع جمعیت آن شهرها، در مواردی به تمرکز بیش از حد جمعیت شهری در یک یت دو شهر بزرگ کشور منجر می‌شود. گرچه این موضوع رویداد عامی نبوده و همه کشورها با آن مواجه نیستند، در اینکه در تعدادی از کشورها سهم عمده ای از جمعیت شهری تنها در یک شهر بزرگ جمع شود، مسایل خاصی را از نظر اسکان جمعیت و ویژگی‌های کالبدی پیش می‌آورد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

تنوع فرهنگی و انتقال تجربیات و نوآوری ها ← یکی از پیامدهای عمده مهاجرتی، آشنایی مردم با فرهنگ و تمدن های مختلف است، گرچه پذیرش فرهنگ های گوناگون بوسیله مهاجران و ساکنان بومی در ابتدا با مقاومت و عکس العملهای منفی همراه است، آنچه که در آغاز به شکل برخورد تمدن ها خود نمایی م یکنند، بتدریج به تعاطی فرهنگی تبدیل می شود و از بده و بستانهای آنها، فرهنگ ها ی متعالی تری به وجود می آید. انتقال فرهنگی از وقتیکه انسان توانست از جایی به جای دیگر برود آغاز شد و هم امروز نیز اثر مهاجرت های آریایی در غنی بخشی به فرهنگ اروپایی و از آن طریق به فرهنگ و تمدن اغلب کشورهای جهان مشهود است. برخورد اسلام و مسیحیت و اثرگذاری آن بر توسعه آزادی ها که زیرساخت حکومتهای دموکراتیک غربی است، همواره با زور و سلطه همراه نبوده است. اختلاط قومی و فرهنگی یکی از ویژگیهای عمده کشورهای مهاجر پذیراست. تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف در کشورهایی که تحت تاثیر مهاجرتهای سیاسی سلطه گر قرار گیرند از روال عادی خارج شده و به نوعی استیلای فرهنگی قوم مهاجر بر ساکنان بومی تبدیل می شود. تغییر خط و زبان بویژه وقتی زمان طولانی تری از آن بگذرد به سادگی قابل برگشت نیست. نکته دیگری که معمولاً مهاجران در کشورهای مهاجر پذیر بیش از افراد بومی مهاجرت کرده و در نواحی دیگر آن کشور استقرار می یابند.

پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مهاجرت ها ← از عمده ترین پیامدهای اقتصادی مهاجرتها، تفاوت دستمزدها و شرایط کاری مهاجران با کارگران بومی است، که نوعی دوگانگی بازار کار را پیش می آورد. در برخی از کشورها امکان کار و فعالیت برای همه مهاجران یکسان نیست و این تفاوت هرچه قدمت مهاجرتی افزایش یابد روبه کاهش می گذارد. مهاجرت همانطور که نحوه زندگی مهاجران را تغییری رمی دهد، الگوهای اشتغال و فعالیت آنان را نیز دگرگون می کند. در کنار بالا بودن عمومیت اشتغال مهاجران در کشورهای مهاجر پذیر باید یادآور شد که مهاجران دستمزدهای کمتری می گیرند، ساعات بیشتری کار می کنند و از تسهیلات بسیار پایین تری در محیط کار برخوردارند و چون در بیشتر موارد بازار کار را نامطمئن می بینند و اطمینانی به استمرار کار نداشته و در صورت از دست دادن کار نیز از حمایتهای قانونی کافی برخوردار نیستند، تلاش می کنند با انجام کارهای سخت درآمد بیشتری کسب کنند و قسمت اعظم آن را نیز پس انداز کرده و یا به کشور خود ارسال کنند. در نتیجه از تغذیه بهداشت و مسکن نازلتری استفاده می کنند. تغییرات شرایط اقلیمی، انزوا، سختی اقامت در شهرهای بزرگ یا در نواحی دورافتاده و فاقد حداقل امکانات زیستی نیز، موجبات ابتلای آنان به انواع بیماری ها به ویژه بیماری های تنفسی و دستگاه گوارش را فراهم می کند. از نظر اجتماعی مهاجرت به نوعی کثرت گرایی در جامعه و استقرار نهادهای لازم برای حفظ حقوق بشر منجر می شود. پیشداوری های موجود درباره ارتکاب بیشتر رمهجران به رفتارهای بزهکارانه را از بین می برد. افراط گری های ملی گرایی را تعدیل می کند و به نوعی یع اشتراک همگانی در زندگی اجتماعی منجر می شود. (مهاجرت، حبیب ا... زنجانی، ص 170 تا ص 188)

تاثیر مهاجرت بر جمعیت:

نکته اصلی این است که کشوری بخواهد جمعیت خود را اضافه کند یا نکند، محیط گرایان می گویند کشورهای صنعتی که در مصرف منابع زمینی خود اصراف می کنند، باید به فکر کاهش جمعیت خودشان باشند. از سوی دیگر ملی گرایان بیشتر می خواهند جمعیت کشورشان را حفظ کنند یا افزایش دهند، بخشی از آن به این دلیل است که ظاهراً اندازه جمعیت با غرور و مردانگی ملی رابطه دارد، اما بخشی هم به این دلیل است که کاهش نرخ زاد و ولد معمولاً با افزایش جمعیت سالخوردگان غیر فعال است. از این رو در بعضی از جاها گروه سومی در این میان قرار دارد که به آرامی وضع موجود را حفظ می کند و گرایش به رشد جمعیت صفر را نشان می دهد، گرچه گاهی اوقات حفظ ثبات

منابع و مأخذ :

1. کار در غربت "مهاجرت" ، دکتر فرهنگ ارشاد ، انتشارات کلك خيال ، سال 1373
2. مهاجرت، حبيب ا... زنجانی، انتشارات ققنوس
3. اگین ال موبر گنج، ترجمه حمید خفر نجات ، نشر کسري
4. نظریة مهاجرت از اورت لی ، ترجمه بیژن زارع